



۲۰۲۱، ۴۹، ۱۵



م. نعیم بارز

نخستین سرود شکست ارتش سرخ در افغانستان!

نوشته ای زیر عنوان: (سرود شکست ارتش سرخ) برای اولین بار بتاريخ ۱۴ ثور ۱۹۸۹ در نشریه «نامه جمهوریخواهان ایران» واقع پاریس مربوط به دوستان ایرانی از قلم نعیم بارز به نشر رسیده و بعد در ویسایت وزین «آریانا افغانستان» و اینک بازم به همان مناسبت به نشر سپرده شد.

بیش از هفتاد سال قبل از امروز، تروتسکی یکی از رهبران بلند پایه حزب کمونیست روسیه، «ارتش سرخ» را بنیان گذاری نمود. از آن هنگام به بعد ارتش مذکور منحصبت بزرگترین وسیله در جهت تحقق بخشیدن آرمان های خیال پردازانه انقلابی و در واقعیت ضد آزادی و حقوق بشر مورد استفاده قرار گرفته است:

تزاریسیم را شکست داده، قدرت دولتی اش را از آن حزب کمونیست نموده، صدای آزادیخواهی را در داخل روسیه و در مستعمرات تزاریسیم بیشتر از پیش خفه نموده و در دوران دیکتاتوری ستالین از بیست تا سی میلیون مردم شوروی به شمول رهبران حزب کمونیست آن کشور را بقتل رسانده که به اعتراف خروچف و اخیراً تحت رهبری گریباچف، قضایای متعدد و افشای گور های دسته جمعی جنایات حزب و دولت به اثبات رسیده اند و همینطور زیر نام وظایف انترناسیونالیسم پرولتری، حزب بوسیله ارتش سرخ به گسترش استعمار پرداخته، به عنوان دفاع مشترک در مقابل حملات قوای هیتلری پا به کشور های اروپای شرقی و شمالی گذاشته، دولتهای مردمی را در آنجاها از بین برده و کشور های مذکور را تحت تسلط شوروی درآورده و به بهانه دفاع از سوسیالیسم و به اصطلاح دفاع از احزاب برادر و به بهانه احساس خطر از سوی امپریالیسم به کشور های پولیند و چکوسلواکی هجوم برده، از تحولات استقلال طلبانه و آزادی خواهانه آنها جلوگیری کرده و به این شکل جنایات و خیانت های ارتش سرخ، حزب و دولت شوروی هنوز هم پایان نیافته اند.

دولت شوروی این جهان خوار در سال ۱۹۷۹ کشور ما را مورد تجاوز نظامی وحشیانه قرار داده و در طی ده سال طولانی برای سرکوب مقاومت شجاعانه مردم ما، به جز سلاح اتمی از هر سلاحی کارگرفته و بقول یکی از روزنامه های استونیای شوروی که بتاريخ ۴-۲-۱۹۶۸ از طریق رادیوی آزادی پخش گردیده، بیش از یکونیم میلیون سرباز شوروی در افغانستان جنگیده و دستکم پنجا هزار سرباز آن کشته شده و ده ها هزار زخمی گردیده اند.

اضافه از شصت هزار تن مواد نظامی در جنگهای ده ساله افغانستان بمصرف رسیده و برای مردم ما که تلفات اصلی را متحمل شده، بیش از یکونیم میلیون نفر از سوی ارتش خون آشام بقتل رسیده و حدود بیش از ششصد هزار، مرد وزن و طفل زخمی و معیوب بر جا گذاشته و پنج میلیون نفر مجبور به ترک خانه و کاشانه خود شده، نود درصد آبادی ها و محصول صدها سال کار و تلاش مردم از بین رفته و حتی به قول بیرک کارمل که ضمن یکی از سخنرانی ها در زمان ریاست جمهوری اش بیان داشته است در اثر جنگ ها اضافه از چهل میلیارد دالر خساره مالی بکشور وارد گردیده است.

با این وضع مردم افغانستان چنان بی تفاوت و بی خاصیت نیستند که در برابر اعمال وحشیانه زور سرتسلیم فرو آورند.

این را نه تنها در حال حاضر مقاومت سرسخت مردم ما در برابر تجاوز روسیه شوروی بلکه صحیفه ای تاریخ گذشته در مقابل استیلاگران عرب و استعمار بریتانیای کبیر نیز نشان میدهد که ملت افغان هرگز به بردگی گردن نه نهاده، و اینک یکبار دیگر این حقیقت راحتی از کلمات ارتش سرخ در موقع خروج شان از خاک افغانستان نیز میتوان شنید.

در سرود ارتش سرخ گفته میشود:

« مردم افغانستان برای دفاع از دین و وطن خویش می جنگند و ما بخاطر ماشین جنگی.

ما این جنگ را با قیمت زیاد باختمیم ----- و تاوانش را با خون خود پرداختیم.»

بلی خون ارتش سرخ روسیه شوروی در بسیار سرزمین های بیگانه ریخته شده است اما در مقابل پیروزی هایش همیشه آن را نادیده گرفته اند و به افتخار از آن یاد نموده اند. خوب شد بالاخره برای نخستین بار در طول حیات دولت کمونیستی روسیه، در سر زمین افغان ها مژه تلخ شکست و حقارت را هم چشیدند.

به باور من این شکست ارتش سرخ یک شکست تاکتیکی نبوده بلکه شکست ستراتیژیک حقارت باری از سوی مردم تھی دستی بوده که نه تنها برای ارتش سرخ روسیه شوروی و حزب کمونیست و دولت آنکشور شکستی است که کاخ کرملین را به لرزه در آورده و شگاف های عمیقی در همه زمینه ها از جمله در سیاست و اقتصاد آنکشور ایجاد نموده که امروز تاریخ هفتاد ساله آن کشور از سوی مردم آنجا زیر سوال قرار گرفته است.

متأسفانه رهبران شوروی بسیار دیر این را دریافتند که افغانستان چکوسلواکی و یا پولند نیست که نیروهای اشغالگر اش سال های دراز را به راحتی در آنجا بیارامند.

امیدواریم که با این درس عبرت به ادامه دهندگان راه تزاریسف فکر و خیال تجاوز و استیلا جوئی را برای همیشه از سرشان دور نموده باشد.

با درک این مسأله میتوان گفت که جانبازی و قربانی مردم ما بیهوده نبوده و خون ها بی جهت ریخته نشده و پر واضح است که ما نه تنها برای دفاع از خود و سرزمین خود جنگیده و قربانی داده ایم بلکه در این پیکار دفاع مقدس برای کشور های همسایه و آنهاییکه خود را از سوی دولت شوروی در خطر میدیدند، نیز قربانی داده ایم، ولی از بیان این مطلب از هیچ کشوری و از هیچ کسی انتظار پاداش و توقع کمک نداریم، فقط از کشور های همسایه و دولت های شان خواستار آنیم که بعد از این به امور کشور ما مداخله نکنند و در تعیین سرنوشت مردم این مرز و بوم الگوی رژیم های خود را بما نسخه نداده و دیکته نکنند.

و در مورد دولت دست نشانده شوروی باید گفت چندان مسأله مهمی نیست، مردم ما همان طوریکه توانستند به تنهایی قوای مهاجم روسیه شوروی را از سر زمین خویش بیرون برانند، بدون شک توان آن را هم در خود دارند که رژیم دست نشانده روس را بزودی از بین برده و باهمه بغرنجی اوضاع جاری طریق تعیین سرنوشت آینده خود را دریابد.

در این لحظه که به نوشتن این سطور مشغولم، فکر میکنم به رغم شکست و بیرون رفت قوای شوروی از افغانستان، ابر قدرت ها و دولت های همسایه از دخالت در امور ما دست بر نمی دارند، این ها که همه خود را برای افغانستان دایه مهربانتر از مادر معرفی میکنند، چهره و ماهیت واقعی هر کدام شان شناخته شده است، بسیار شرم آور و ننگین خواهد بود که بیش از ده سال دست و پنجه نرم کردن با یک ابر قدرت و جانبازی های قهرمانانه در راه آزادی و استقرار مردم سالاری، اکنون از الگوی رژیم آخندی استفاده کنیم که ملت ما چون برادران ایرانی حتی اختیار پوشیدن لباس و خوراک و راه و رسم زندگی خصوصی و خانوادگی خود را نداشته باشند، درحالیکه این امور شخصی از ابتدائی ترین حقوق افراد یک کشور بشمار می آیند.

کسانیکه اوضاع افغانستان را به علاقمندی و آگاهی تعقیب مینمایند بالاتردید شاهد مداخلات مستقیم و غیر مستقیم دولت های همسایه، دولت های عربی و دولت ایالات متحده امریکا در امور کشور ما میباشند، واضح است که در جریان جنگ ده ساله دولت ایالات متحده امریکا یک مقدار سلاح و مهمات و کمک مالی آنهم از طریق دولت پاکستان به مجاهدین افغان نموده است البته منفعتی از این بابت داشته و تا کنون در اثر تبلیغات و بسیج از سوی امریکا روابط کشور های جهان سوم با شوروی سست و ضعیف گردیده و با ایجاد ترس از تجاوز شوروی در میان کشور های مذکور امریکا توانسته است توجه بسیاری آن کشور ها را بسوی خود جلب کرده و در اثر یک سلسله معاملات اقتصادی و نظامی نفع سرشاری عاید خویش نماید، و از این بابت است که روز تا روز علاقمندی دولت امریکا نسبت به مسأله افغانستان زیاد شده میرود، بخصوص در این اواخرکه اوضاع شوروی در اثر بحران اقتصادی، سیاسی و اجتماعی بدتر از هر زمان دیگر گردیده، دولت امریکا با استفاده از این وضعیت میخواهد پروژه تجزیه شوروی را در پیش گیرد، به همین نسبت میخواهد از قضیه افغانستان به حیث یک وسیله خوب و موثر نیز استفاده نماید و روی این منظور چندی قبل دولت امریکا پیشنهاد دولت شوروی را مبنی بر حل و فصل مسأله افغانستان از طریق بر گذاری کنفرانس بین المللی و دخالت نیروهای پاسدار صلح ملل متحد رد نمود.

شوروی ها که از هر لحاظ خود را در مانده یافتند، برای جلوگیری از دخالت حکومت آینده افغانستان در میان مسلمان های آسیای میانه خود را مجبور دیدند که کاری انجام دهند، برای این مقصد پیش از اعلام کمک های زیاد به دولت پاکستان از جمله باز نمودن دروازه های تازه برای صدور فرآورده های تجارتي آن کشور در شوروی و در کشور های احزاب برادرمطرح نمودند، و معاون وزیر امور خارجه خود را برای مذاکره به مقصد حل و فصل قضیه افغانستان به آن کشور فرستادند که همزمان با این مسأله دولت امریکا جهت پیش گیری نسبت آنکه مبدا حکومت پاکستان با دولت شوروی کنار آید بلامعطلی پاکستان را تهدید نموده گفت: « دولت امریکا اطلاع حاصل نموده که پاکستان صلاح اتمی تولید میکند، به این نسبت دولت امریکا در نظر دارد کمک های خود را به آن کشور قطع نماید».

ولی تا جائیکه دیده میشود حکومت جدید بینظیر بوتو سیاست ضیا الحق رئیس جمهور سابق پاکستان را در مورد افغانستان تعقیب نموده و برای اطمینان خاطر امریکا وزیر خارجه حکومت ضیا الحق را سر جا یش نگهداشته است، با در نظر داشت ادامه سیاست قبلی حکومت پاکستان که موافق با مواضع حکومت امریکا نیز میباشد، دولت شوروی با فرستادن وزیر خارجه خود برای جلب رضایت و توافق رهبران مجاهدین افغان و حکومت پاکستان به نتیجه مثبت دست می یابد، آنکا دولت شوروی بیشتر از پیش رو به سوی حکومت ایران می آورد که بتواند اقلأ از بوجود آمدن یک دولت وابسته به امریکا در افغانستان و در ضدیت با شوروی جلو گیری نماید.

تا جائیکه دیده میشود روسها درین پالیسی با دولت ایران بسیار نزدیک و موفق بوده و به وضاحت دیده میشود که حکومت ایران تلاش دارد، در ساختار دولت آینده افغانستان از طریق شرکت رهبران گروه های شیعه مذهب افغان برای خود جای پای داشته باشد.

روی این اساس چند بار رهبران رژیم خمینی با رهبران گروه های شیعه مذهب افغانستان در ایران و بعداً با رهبران مجاهدین سنی مذهب در پاکستان وارد مذاکره شده و آقای ولایتی وزیر خارجه آن کشور نیز سفری به پاکستان نمود و از نزدیک با رهبران مجاهدین و حکومت پاکستان بحث و گفتگو کردند، که در اثر این تماس ها و تلاش ها کنفرانس راولپندی دایر گردید و در آن بیش از پنصد نفر بنام نمایندگان مردم افغانستان گردهم جمع شدند تا دولت موقت را تاسیس نمایند، ولی از آنجائیکه رؤسای تنظیم ها نمایندگان واقعی مردم افغانستان نیستند و بنا بر ایجاب سیاست امریکا که در حال حاضر در قضیه افغانستان منافع آن با تاسیس یک حکومت ائتلافی در افغانستان سازش پذیر نیست نمایندگان سنی مذهب به اشاره امریکا از شرکت نمایندگان شیعه مذهب افغان مقیم ایران در مجلس مانع شدند و بدین ترتیب مجلس در کمتر از یکساعت بدون کدام نتیجه سقوط نمود.

بنا بر تازه ترین خبر رسیده انجنیر احمد شاه بحیث صدراعظم دولت موقت از سوی هفت گروه پیشاور نشین تعیین گردیده است، شخص مذکور یک سال قبل هم به صفت رئیس دولت موقت معرفی شده بود که به اظهار بعضی ها نه تنها مورد تأیید هشت گروه شیعه مذهب افغان مقیم ایران قرار ندارد، بلکه از پشتیبانی گروه های مقاومت افغان در پیشاور نیز چندان برخوردار نیست، البته این عمل کدام ابتکار تازه نبوده و اشتباه نشود که انجنیر احمد شاه شخصی است غیر از انجنیر احمد شاه مسعود که به صفت آمر جبهات سمت پنجشیر می باشد.

خلاصه آنچه مایه نگرانی است این ست که مردم افغانستان سالهای سال در تحت نفوذ حکومت های مذهبی بسر برده و بخصوص در این مدت ده سال اخیر نه تنها زیر آتش خشم و تعصب کمونیسم روسی قرار داشته، بلکه از سوی رژیم های اسلامی متعصب ایرانی و پاکستانی چنان تحت فشار قرار گرفته اند که تقریباً بصورت کل روابط مردم عادی با عناصر روشنفکر قطع گردیده و بهمین علت اکثریت مردم افغانستان بدون کوچکترین پایگاه فکری و اجتماعی سرگردانند و در اثر این چنین خلاء اجتماعی و فکری وحشتناک است که دیکتاتور های اسلامی امکان ظهور و رشد و نمو یافته اند و گستاخی و خودسری دولت ایران و پاکستان هم بجائی رسیده است که زیر نام یکتعداد جیره خواران افغانی در غیاب ملت افغانستان در کشور های خود شان مجلس دائر میکنند و طرز حکومت و حکمرانی را برای ملت افغانستان تعیین مینمایند ، اما این را بخاطر بسپارند، ملت افغانستان همانگونه که علیه روسها عمل کرد و حکومت دست نشانده آنها را نپذیرفت، بالاتر دید حکومت ساخت کمپنی خمینی و پاکستانی را نیز قبول نخواهد کرد. پاریس ۱۴ - ۲ - ۱۹۸۹



برای مطالب دیگر محمد نعیم بارز ، اینجا کلیک کنید